

می‌شد. همچنین بعضاً بزرگان و سران ملک نیز مانع ترقی و وسعت قلمرو آن بودند. مثلاً وقتیکه برای تحصیل اجازه خطی در مجلس انگلیس مشاوره می‌شد، یکی از اعضاء برخاسته و پس از اظهار مخالفت گفت: اگر مدتی بدین منوال پیش رود دیگر حیوانات بارکش بچه درد خواهد خورد؟! نماینده مزبور بعقیده خویش طرفداری از وظیفه وجدانی خود — سابقه خدمت — مینمود و صلاح کار را هم در آن میدید. اما با وجود عناد و لجاجت افکار پوسیده فکر جوان غلبه کرده بزودی سرتاسر مملکت را فراگرفت و باصلا کمی (تا سال ۱۸۳۹ م.) در انگلیس ۳۰۰۰ هزار گز خط آهن کشیده شد. سپس سایر ممالک نیز خود را مهیا و آماده این انقلاب اقتصادی کرده و برای اقدام بکار حتی دهات کوچک نیز مساعدت کردند. صنعتگران آلمانی نیز این فن را از انگلستان اقتباس کرده و در وطن خود رواج دادند. ابتدا این صنعت در آلمان بدست مهندسه‌های لندن شروع شد، اما چیزی نگذشت که یکی از راههای مهم و اصلی انگلیس چندی از لکوموتیف‌های خود را به کارخانه مشهور آلمانی «بورزیک» (۹) سفارش داد.

باقی دارد.

## جهان‌نمان

### ۱ — نطق خانم دولت‌آبادی در انجمن زنان

مقاله از پاریس راجع به اجتماع انجمن بین‌المللی زنان حقوق طلب و نطق خانم صدیقه دولت‌آبادی به اداره ایران‌شهر

رسیده که بجهت تنگی اوراق مجله ناچار شرح تاریخ انجمن مزبور را که در آمریکا شروع شده و حالا بین الملل گشته بشماره های آینده میگذاریم و در اینجا به درج نطق خانم دولت آبادی اکتفا میکنیم. اشتراك خانمهای ایران و نمایندگی خانم دولت آبادی را با آن لیاقت و کمال صلاحیت که دارند و خود را برای تربیت همشیرگان خود حاضر میکنند تبریک میکنیم ولی چنانکه بارها نوشته ایم اینگونه اقدامات کافی بر بلند کردن موقع اجتماعی زنان ایران نیست و وجود چند نفر خانمهای باسواد متفکر و آزادی خواه و فداکار که یقیناً عددشان به صد نفر هم نمیرسد، توده زنان ایران را که غرق گرداب جهالت و بدبختی هستند نجات نخواهد داد. باید با فداکاریهای بزرگ و وسایل گوناگون از قبیل نشر رساله های ساده و دادن نطقها و درس های عملی و مجانی و مخصوصاً راجع به نظافت و قناعت و حفظ صحت و خانه داری آنان را بیدار کرد و گرنه تنها باسواد شدن آنها را خوشبخت نمیتواند کند بلکه قوای حیوانی و تمایلات نفسانی را بیشتر تحریک کرده بتقلید کورکورانه زنان مغرب زمین و بظاهر پرستی تشویق میکند و بر بدبختی آنها میافزاید و بحال عروسک های رمان خوان میاندازد چنانکه بدبختانه حال اکثریت زنان باسواد امروزی بدین منوال است.

(ایران شهر)



خانمهای نماینده و خانمهای محترم! مقدمتاً از طرف هموطنان خودم مقام شما را تبریک گفته سلام و نهنیت ایشان را تقدیم و تیر مسرت و خوشبختی فوق التصور خودمرا از بودن در میان شما ممتازترین زنان دنیا، اظهار میکنم. طبیعی است که هم وطنان من مسرت کامل دارند از داشتن نماینده خودشان در مجمع

شما و خوب میدانند که ایشان از حیث معرفی خودشان در کنگره عمومی زنان حقوق طلب دنیا کمی دیر جنیدند. ولی گمان نمی‌کنم آنان قابل ملامت باشند، زیرا که تاریخ بما نشان می‌دهد که زنان ایران همه وقت اینطور نبوده‌اند. حوادثی علت تأخیر ایشان شده، بلکه تا کنون بخود مشغول بوده‌اند. تاریخ قدیم ایران زنان را لایق و قوی نشان می‌دهد، میدانید که ایران قدیم دارای زنان فعال و منورالفکر، مانند دختران خسرو پرویز، شهربانو، دختر یزدجرد و غیره بوده است که بعضی از آنها زمامدار مملکت شده و در عصر خود کارهای برجسته برای مملکت خود نموده‌اند. پس از پیش آمدن حوادثی از چندین قرن پیش، زنان در امور سیاسی و اجتماعی جای خود را کم کردند و مردان در ردیف اول جا گرفتند، باین جهت زنان رفته رفته خود را ضعیف جستند و وقتی بخود آمدند که تقریباً موقعیت خود را کم کرده بودند. در این وقت فهمیدند که ضعف آنان نه فقط آنها را در عالم وجود نابود می‌کند، بلکه بیچارگی زنان سبب می‌شود که ایران از داشتن مردان لایق محروم بماند. تذکر باین نکته نکان غریبی به احساسات ایشان داد و بدون قوت وقت مشغول به اصلاح کار خود شدند. پیشرفت کار ایشان فوق‌التصور بود و میتوان گفت در ظرف پنجاه سال راه صد ساله را پیمودند. امروز زنان ایران دارای احساسات قوی، عزم ثابت، تربیت و معلومات جدید و هم قدیم ایران می‌باشند. گرچه ما هنوز حق انتخاب نداریم، ولی در مواقعی که برای وطن مخاطراتی بوده یا در امور اجتماعی اشکالاتی پیش آمده است، زنان با يك احساسات قابل تقدیری اقدامات جدی نموده و کار ایشان اثرات خوب داده است. چنانچه مستر شوستر آمریکائی در کتاب خود راجع به ایران این نکته را ذکر میکند

و از اقدامات زنان قدردانی مینماید.

دیر زمانی است که ما دارای روزنامه‌جات و مجلات بقلم زنان هستیم. زنان ایران انجمن‌های تجارتي و ترقی‌پروری دارند که پروگرام آنها را می‌بینیم با پروگرام سوسیته‌های اروپائی مطابق است.

قریب پنجاه سال است که مدرسه آمریکائی زنانه در طهران دایر و دختران دیپلومه از آن مدرسه، زنان برگزیده ما هستند. محفل مخصوص و مجله بنام «عالم نسوان» دارند. من موقع را مفتنم شمرده از مؤسسين آن اساس تشکر میکنم. مدرسه «ژاندارك» فرانسوی در طهران پانزده ساله است. وضع و ترتیب آن کاملاً موافق سلیقه ما و دختران ایرانی بآسانی زبان شیرین فرانسه را در آن مدرسه فرامیگیرند.

راجع به صلح، زنان ایران در این موضوع جدیت کامل دارند و در هنگام جنگ بین‌المللی، ما داخل در جنگ نبودیم. اما مکرر دیده می‌شد که حقیقتاً روح خانمهای ایرانی از طول مدت جنگ خسته و از داشتن مجامع عیش و عشرت دوری می‌جستند. در مجامع همه وقت خانمها آرزوی تمام شدن جنگ را میکردند. این مطلب آنقدر عمومی شده بود که باطفال خوردسال هم اتر کرده بود. بخاطر دارم، وقتیکه اعلان متارکه جنگ منتشر شد، روزی در يك اجتماع يك دختر پنج ساله پیش آمد و گفت: «خانمها! ما مژده میدهم که جنگ تمام شد.»

چنانچه در ابتدای ورود من مادام هاشمی اظهار نمودند: «اکنون که زنان ایران يك عضو از اعضای کنگره عمومی هستند، ما امیدواریم که باتمام مقاصد خیریه ما شرکت داشته باشند»، طبیعی است که از این بعمد هموطنان من اتحاد مفوی خود را

با زنان حقوق طلب دنیا عملاً نشان خواهند داد.

صدیقه دولت‌آبادی مدیره روزنامه زبان زنان و نماینده ایران در کنکره عمومی نسوان.

## ۲ - نظری بمسلم ازدواج

بمسم غلام محترم لطیفه ملک خسروی - کرمانشاه

بدیهی است که ازدواج و توالد و تناسل یکی از مسائل حتمی و واجب‌الاجرای امور اجتماعی است، زیرا قضیه زناشویی و تکثیر جنس نه فقط برای نوع بشر فرض و واجب است بلکه لازمه حیات و ادامه زندگانی کلیه ذیروح از پست‌ترین حیوانات ذره‌بینی تا اشرف مخلوقات میباشد، حتی بقای نباتات بسته بمسئله ازدواج بوده و هست و آن عبارت از همان گرد طلایی رنگ انامین است که در میله‌پستیل داخل و تشکیل تخم نباتی را میدهد.

(در اینجا مقصود ثبوت قضیه ازدواج و اهمیت توالد و تناسل نبوده زیرا لزوم آن بر همه کس مبرهن و ذکر آن توضیح واضحات خواهد بود، منظور اهمیت قواعد و قوانین آن و رعایت نکات دقیق و ملاحظات مخصوص در اقدامات مقدماتی آن است ولی با وجود ثابت بودن آن بر عموم مجتمعات متذکر می‌شود):

صرف نظر از عقاید متفرقه اصل اساس مبنی به حدیث قدس و بر مصداق کنت کنزاً مخفیاً فاجبت أن أعرف فخلقت الخلق لکی أعرف - برای شناسائی حضرت باری وجود اجتماع لازم و بنای آن بر اهمیت مسئله ازدواج خواهد بود، از طرف دیگر اگر متعمقانه ملاحظه کنیم مشاهده می‌گردد که هم از نقطه نظر عبادت و دیانت بموجب فرموده حضرت ختمی مرتبت که «من تزوج فقد احسن نصف دینه» حائز اهمیت و هم از نقطه نظر حفظ الصحه و حکمت مهم است. زیرا کسی که رعایت این مسئله را نمود در اجتماع دارای حیثیات و از حیث قوای مادی و معنوی و صحت

بنیه و سلامت روح بر دیگران تفوق خواهد جست. بالاخره مقایسه اشخاص متأهل و مجرد و اثبات رجحان آنان بر اینان را مکرر بزرگان و فلاسفه بطور تفصیل بیان و بر همه کس از عالی و عامی ثابت و بدینجا که رسند گویند: «چیزی که عیان است چه حاجت به بیان است». مثلاً عوام بقدر ادراک خود حس نموده و معتقدند که زن بلا است ولی وای بحال خانه که بی بلا باشد. با همین ادراک عوامانه مدعی درک اصل مطلب و اهمیت مسئله ازدواج میباشند. البته بر آنها بحثی نیست زیرا: هر کس بقدر فهمش فهمید مدعا را.

اما اصل مطلب: حال که انسان ناکزیر است که متأهل شده و توالد و تناسل نموده و تشکیل زندگانی و خانواده و فامیل را بالاخره اجتماع دهد پس بهتر آنست که مسئله ازدواج و عقد و نکاح را فوق العاده اهمیت داده غور و دقت در آن را مقدم بر تمام اعمال حیاتی و امور زندگانی و اجتماعی خود شمارند زیرا روح را صحبت ناجنس غذایی است الیم. صدها دهات معموره، هزاران اوتوموبیل و پارک، کرورها تجمل و مکت، ملیونها پول و ثروت در مقابل یک دقیقه کدورت قلب و رنجش خاطر هیچ است و بالعکس ثروت، زندگانی محقر، کلبه ویران، معاش بقدر سد جوع، ولی قلب خرم، و معاشر موافق، محبت طرفین بهترین و گواراترین زندگانی را تشکیل میدهد. چقدر شیرین و بجا است ضرب المثلهای ساده عوامانه: کجا خوش است آنجا که دل خوش است. حضرت شیخ علیه الرحمه در خصوص همین مطلب اظهار عقیده فرموده چنانکه میفرماید: زن بد در سرای مرد نکو هم ددین عالم است دوزخ لو. و همینطور برعکس.

علی ای حال، چون مردان باید دوباره زندگانی خود را

با همسری بسر برند و نسوان نیز ناکزیرند که ایام عمر خویش را با دیگری سپری کنند، بهتر آنست که دقت کنند و کسی را انتخاب نمایند که در حیات خویش دچار نیش نشده همواره ذائقه روح را نوش بنوشانند.

متأسفانه امروزه در مملکت ما رعایت این اصل مهم را تموده نه مطابق قوانین شارع مقدس و نه بر طبق قواعد و قوانین جاریه دنیا رفتار مینمایند. اینست که دختران بدبخت از بدو زندگانی در زحمت و پریشانی و پسران نیز از هنگام تأهل گرفتار مشقت و ندامت میگردند.

ولی دول متمدنه این قضیه را اهمیت داده و رعایت قواعد و قوانین آنها مینمایند لذا دوره حیات خویش را در نهایت سرور و شرف بسر برده همواره شادمان و از قسمت خود کامران میباشند.

## قیمت ادبی

### چهار زنده جاوید

بقلم پروفسور هلندی استاد فارسی شناس و فاضل محترم  
کلکرف دی جی ۱۴۱۱ در بمبئی

ردوسی، سعدی، حافظ و عمر خیام. هر يك از این نامها برای دل من چه مضیها دارد! چه قسم بقلبم الفت گرفته‌اند! چگونه در نظرم عزیز شده‌اند! و چطور قلب مرا نشیمنگاه ابدی خود ساخته‌اند! اگر همه مال و مکت دنیا بمن تقدیم کنند که در عوض دقیقه این نامهای گرامی را از دل خود خارج کنم هرگز قبول نخواهم کرد. این

